

توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب متنوع تر و همه جانبه ترمی شود

- هشدار نسبت به فعالیت گسترده ضدانقلاب در سیستان و بلوچستان
- درز پاکستان پناهگاه امنی برای ضدانقلابیون و محل دائمی قاچاق اسلحه شده است
- گروهکهای آمریکائی-مائوئیستی به همراه سایر عوامل ضدانقلاب با استفاده از مشکلات موجود دست به فعالیت وسیعی زده‌اند

نامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۵۵
شبه ۹ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با
۲۲ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵۰۱ ریال

تکان دهنده و عبرت انگیز

حجت الاسلام محمدی‌ری شهری حاکم شرع و رئیس دادگاه‌های انقلاب ارتش جمهوری اسلامی ایران، ضمن يك مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگاران داخلی، مطالب مهمی پیرامون محاکمه دریادار علوی فرمانده پیشین نیروی دریایی و جرائم امیربهن باقری فرمانده پیشین نیروی هوایی بیان داشت. سخنان وی در شرایط ویژه کنونی که انقلاب پس از زنجیره‌ای از توطئه‌های امپریالیستی روبروست، بسیار هشداردهنده است. اطلاعاتی که حجت الاسلام ری شهری درباره جرائم این دو تن، که در دوران پس از انقلاب در عالیترین و حساس‌ترین مقامات ارتش جمهوری قرار داشته‌اند، زنگ خطری است که باید چشمها را بکشد و گوشها را تیز کند، مباد که امپریالیسم متجاوز، هنوز در صفوف انقلاب چنین افرادی را جاسازی کرده باشد. حاکم شرع و رئیس دادگاههای انقلاب ارتش جمهوری اسلامی ایران جرائم دریادار علوی را: - هاشمینی با مستشاران آمریکائی برای دستیابی به پرونده‌های مورد نظرشان - معاونت و همیاری فی الجمله آگاهانه با بعضی از افراد مخالف انقلاب در نیروی دریایی در موضوع ابقا و غیره دانسته است که متهم به دلیل عدم ثبوت جرم جاسوسی به هشت سال زندان محکوم شده است. این پرونده‌های سری که جاسوسان آمریکائی اینهمه علاقه به خروج آنها از ایران داشته‌اند، بقیه در صفحه ۴

آخر دست به اقدامهای تحریک آمیزی جهت به درگیری کشاندن هموطنان سنی و شیعه، درمنصفه زدند. آنان با به آتش کشیدن کتابخانه کوچک فاروق اعظم در ایرانشهر و تبلیغات وسیع پیرامون آن کوشش کردند، زمینه را برای اجرای این نقشه شوم خود فراهم آوردند. پدنیال این قضیه در نیکشهر نیز اقدام مشابهی انجام گرفت. در همین ارتباط باید گفت که متأسفانه، مولوی ایرانشهر به صدور اعلامیه‌ای مبادرت ورزید که عملاً به ایجاد جوی مشکوک در شهر کمک کرد و موجب عدم شناخت مسیبن اصلی این عمل تخریبی ضدانقلابی شد. در نتیجه همه شاهد ایجاد محیطی متشنج در این منطقه حساس شدند که ضدانقلاب در آن همه نوع فعالیت دارد. بقیه در صفحه ۷

این عوامل با همکاری و حمایت امپریالیسم آمریکا، در جهت به آشوب کشیدن این منطقه حساس کشور از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند. بویژه آنکه مرز پاکستان هم پناهگاه خوبی برای این ضدانقلابیون است. شهرستان ایرانشهر نیز که می‌تواند در حفظ امنیت منطقه بلوچستان نقش مهمی را ایفا کند، به مرکز توطئه‌های این عوامل بدل شده است. عوامل ضدانقلاب در هفته‌های

در کنار انواع تشنج آفرینی‌ها و جوسازی‌ها، چماق‌بازی‌ها و حمله به نیروهای راستین انقلابی، فعال کردن لیبرالها و تخطئه انقلاب و دستاوردهای آن، توطئه‌های آمریکا در اشکال مسلحانه و مستقیم خود، تشدید میشود. عملیات متعدد عوامل ضد انقلاب، از گروهکهای مائوئیستی - آمریکائی گرفته تا قاچاقچیان و قداره‌بندان مسلح و فئودالها در استان سیستان و بلوچستان افزایش چشمگیری یافته است.

چگونه مردم ناراضی میشوند و چه باید کرد که ناراضی نشوند

اما مردم چگونه ناراضی خواهند شد و چه باید کرد که ناراضی نشوند؟ توده مردم که با ایثار ستایش انگیز و تحمل دردهای فراوان، انقلاب را به پیروزی رسانده‌اند، در اکثریت مطلق خود بی آنکه انقلاب و قانونمندیهای آنرا از کتابها آموخته باشند، خط انقلاب را می‌شناسند. عمل انقلابی را از ضدانقلابی تمیز میدهند و انحراف انقلاب را از مسیر صحیح تحمل نمی‌کنند و در برابر آن واکنش نشان میدهند. زمانی که سیاست گام به گام دولت موقت کشور را بسوی حفظ همبندی با امپریالیسم و تقویت سرمایه‌داری، بمشابه یک نظام قابل قبول برای رشد آتی کشور می‌برد، زنگ خطر به تکرار در گوش توده‌ها به صدا درآید. بتدریج ناراضی‌های بی‌رویه انباشته شد و عمل قهرمانانه دانشجویان مسلمان

آیت‌الله مهدوی کنی وزیر کشور در دیدار از شهر زنجان در جلسه کارکنان استانداری زنجان نطقی ایراد نمود ولی آن اظهار داشت که: «مردم نباید ناراضی شوند. چون ناراضی مردم موجب ناراضی از این دولت و از این جمهوری و از این نظام میشود.» مردم نباید ناراضی شوند. این سخن درست باید شعار مردم همه مسئولان مملکت باشد. شعار همه آنهاست که گوشه‌ای از کار اداره کشور در دست آنان قرار گرفته، شعار تمام کسانی که در برابر انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران برای خود، تعهد و وظیفه‌ای قائلند. اینان باید در هر قدم و با هر عمل، خیر و صلاح مردم را در نظر گیرند و از هر آنچه که مردم را ناراضی میکند، اجتناب ورزند. به گفته امام خمینی «خود را حاکم مردم نخواهند، خدمتگزار مردم بدانند.»

ضد انقلاب از اعتصاب، در جهت تحقق توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا استفاده میکند

در شرایط بسیار حساس کنونی امپریالیسم آمریکا از راههای بسیار متنوع توطئه‌های ضدانقلابی خود را مرحله اجرا میکند. از جنگ تا جوسازی، از اغتشاش مسلحانه تا اعتصاب، از تفرقه افکنی تا تشنج آفرینی... ببینیم آمریکائیا چگونه اعتصابات را در این شرایط بعنوان یک وسیله مهم عمل خرابکارانه خویش توصیه میکنند، و به بینیم درباره کوششهایی که بمنظور اعتصاب در شرکت واحد شد و خوشبختانه بر اثر هشیاری مردم و مشارکت آنها در حل مسئله و وقوف کارگران آگاه بر ماهیت امر، عظیم ماند، رادیوی ضدانقلابی بختیار چگونه ارزیابی میکند:

دستور العمل

«... ضد انقلاب باید از خیابانها و از درون بازار و در داخل ایران قدر افزا زد... از بازارگانان ایرانی و دیگر افراد فعال در بخشهای اقتصادی، خواسته شده است، به يك اعتصاب همگانی دست بزنند.» (دستور العمل امپریالیسم آمریکا برای اجرای بخشی از توطئه براندازی که توسط شبکه دان. پی. سی آمریکا پختی شده است)

هدف

«همزمان با اعتصاب کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، دانش آموزان تهران نیز دست به اعتصاب زدند، علت اعتصاب دانش آموزان تهران، اظهار مخالفت با دیکتاتوری روضه خوانها، برقراری آزادی و حکومت ملی... اعلام شده است... دانش آموزان اعتصابی همچنین همبستگی و پشتیبانی خود را از کارکنان اعتصابی شرکت واحد اعلام کردند... کارگزاران حکومت خمینی کوشیدند تا اعتصاب کارکنان شرکت واحد را صرفاً بخاطر عیدی و پاداش جلوه دهند، درحالیکه این همبندان زحمتکش بر علیه همه ناپسامانها، حق کشیها، تبعیضها و فساد که توسط وابستگان آخوندها در شرکت واحد حکمفرما شده است، دست به اعتصاب زده بودند.» (رادیو بختیار، برنامه مورخ ۶ اسفند ۵۹)

بر اثر آتش رزمندگان انقلاب: لوله‌های نفت پالایشگاه عراق در فاو دچار حریق شد

چندین انبار مهمات و سنگرهای دشمن و تعدادی از تانکهای آنان نابود شد. رزمندگان انقلاب در چند روز گذشته در تمام جبهه‌ها ضربات سنگینی بردشمنان متجاوز وارد آوردند. بقیه در صفحه ۴

میتینگ برای خارج کردن امپریالیسم آمریکا از زیر ضربات خشم مردم

در تاریخ ۷ اسفند ماه، بنا به دعوت قبلی، میتینگ در راستادیوم امجدیه برگزار شد که طی آن آقایان مهندس بازرگان، دکتر سبحانی، دکتر یزدی و هاشم صباغیان سخنرانی کردند. سخنرانان که سخن از آنان از سران دولت موقت بودند، طی سخنان خویش حتی کلمه‌ای در مورد توطئه‌های گسترده امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، بر زبان نیاوردند و دکتر یزدی حتی حزب توده ایران را مورد حمله قرار داد. سخنرانان طی سخنان مفصل خویش از پاسخ به پرسشهایی که در مورد فعالیت‌های دولت موقت و نهضت آزادی از جانب مردم مطرح شده است و بخشی از آنان را نامه مردم منعکس کرده است، بقیه در صفحه ۸

حجت الاسلام خامنه‌ای:

استعمار می‌خواهد تجربه شیلی را در ایران پیاده کند

آنگاه حجت الاسلام خامنه‌ای امام جمعه تهران که در راس هیاتی برای تشریح مواضع انقلاب ایران به کشور هند سفر کرده بود، در میان استقبال نمازگزاران به ایراد خطبه‌های نماز جمعه پرداخت. امام جمعه تهران، در پیاده در صفحه ۴

یک حکومت آمریکایی سرکاری پیدا، مملکت را قبضه کند و مجدداً به حال اول برگرداند، این خوابی است که استعمار دیده است. نماز جمعه این هفته به امامت حجت الاسلام خامنه‌ای و با حضور انبوه بزرگی از نمازگزاران در دانشگاه تهران برگزار شد. در خطبه‌های پیش از نماز، حجت الاسلام خامنه‌ای ضمن سخنانی هشدار داد که ضد انقلاب قصد دارد تجربه شیلی را در ایران پیاده کند. وی همچنین از توطئه وسیع تبلیغاتی دشمنان انقلاب در خارج از کشور سخن گفت. پیش از خطبه‌های نماز جمعه حجت الاسلام محمد یزدی نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی سخنانی ایراد کرد. وی در قسمتی از سخنانش ضمن اشاره به مشخص شدن حدود وظایف تمامی ارگانها و مسئولین کشور، در

در کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

- از سخنرانهای میهمانان و نمایندگان در کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی
 - روابط بازرگانی و همکاری اقتصادی و فنی اتحاد شوروی با کشورهای در حال توسعه
 - بازتاب جهانی گزارش لئونید برژنف به بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی
- صفحه ۷

جامعه و خانواده

مسئله رابطه فرد انقلابی با

جامعه و خانواده، يك مسئله بسیار بفرنج و متضاد است. در این باره در گذشته، در نامه «مردم» مقالاتی چاپ شده است، از جمله «شیوه زندگی يك انقلابی چگونه است؟» (شماره ۴۶) و «مادران، پدران و فرزندان در رزمگاه جنبش انقلابی» (شماره ۲۸۱). «خانواده انقلابی کانون وفاداری» (شماره ۲۷۷) ما ضمن اینکه خوانندگان مجدداً مقالات فوق را به علاقمندان توصیه میکنیم، از نظر اهمیت مسئله، توجه خوانندگان گرامی را به مقاله زیرین نیز جلب میکنیم.

مسئله رابطه يك فرد انقلابی، اعم از زن یا مرد، جوان یا پسر، به جامعه و خانواده، يك مسئله بسیار بفرنج و متضاد است. در جامعه ایران، در محیط تربیت سنتی، معمولاً مسئله خانواده مطرح بود و بهترین دختر یا پسر، آنهایی بودند که خواه قبل از ازدواج و خواه پس از زناشویی، چیزی غیر از: خانواده کوچک (پدر، مادر، شوهر، زن، فرزندان، برادران و خواهران) یا خانواده بزرگ (کل خویشان سببی و نسبی) را برسمیت نمی شناختند، خود را وقف آنها میکردند، از آنها - اگر چه خطاکار هم باشند - دفاع میکردند. بنظر آنها، بهترین خانواده، خانواده آنها بود، و نزدیکترین افراد جامعه به او، افراد خانواده او بودند. اما يك خانواده باز هم بزرگتری وجود داشت و دارد، بنام «جامعه»، که در تربیت سنتی ما یاد نمی دادند که اهمیت آن از خانواده کوچک و بزرگ، اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست. زیرا اگر این خانواده بزرگتر، خانواده ایرانی ما، کار نکند و از کار خودش بما بهره ندهد، غذا، تحصیل، معالجه، استراحت، مسافرت و... در يك کلمه، زندگی خود ما و اعضای خانواده کوچک و بزرگ ما محال میشود. یا به عبارت دیگر، در کنار مادر گرامی ما، که با فداکاریهای خود، ما را به عرصه آورده، در کنار پدر عزیزمان، که برای رشد و تحصیل ما از هیچ تلاشی تن نزنده است، مادر وطن و سرزمین پدری وجود

دارد که فداکاری و تلاش دائمی و غیرمحسوس او، هستی ما را، از گهواره تا گور، تحت تاثیر نیرومند خود دارد. بقول شاعر معاصر ادیب پیشاوری: ز سیصد فزون کارگر بایدی که تا خواجه را نان بدست آیدی در تربیت سنتی ما، این خانواده بزرگ، که «جامعه» یا «مردم» نام دارند، نه فقط فراموش میشدند، بلکه بعنوان «غیره» و «غریبه» و «دیگران»، که مانند دشمن در برابر ما ایستاده اند و باید کوشید تا کلاه خود را از دست آنها حفظ کرد، قرار دارند. عشق به جامعه، فداکاری در راه مردم؟! بحق حرفهای نشنیده! ایثار در راه مادر وطن، جانبازی در راه سرزمین پدری؟! عجب حرفهایی که فقط بصدور تبلیغات دولتی می خورد!

در میان افراد جامعه و مردم، همه یکسان نیستند. در جامعه بخش مفید وجود دارد، که با کار خود، ارزشها و کالاهای و نعمات مادی و معنوی بوجود می آورد. در جامعه بخش طفیلی وجود دارد، که آن ارزشها و کالاهای و نعمات مادی و معنوی را با زور یا با حيله غصب می کند و خودش زندگی خوش و انگل واری را میگذراند و زحمتکشانی بدی و فکری را دچار فقر و محرومیت میسازد. در تربیت سنتی ما این مطلب که ما باید بخاطر عشقی که به وطن و مردم داریم، در راه نجات زحمتکشانی جامعه از دست طفیلیها و انگلها مبارزه کنیم، اصلاً مطرح نیست: بمن چه، بتوجه هر کس باید در فکری خودش و زن و پچاش و پدر و مادرش باشد، به او چه رسیده که در این مسائل دخالت کند! در قدیم به چنین کسانی می گفتند که مغبوط و دیوانه اند و سرشان به توشان سنگینی می کند! پس از پیروزی انقلاب، گروه عظیمی از جوانان ما، دختر و پسر، بحق وارد مبارزه

اجتماعی شده اند، یعنی بنگر مادر و پدری افتاده اند، که او را رها کرده بودند. در اینجا نزاعی مابین «خانواده» (بمعنای خانواده کوچک و بزرگ) و «جامعه» (بمعنای خانواده بزرگتر) درمی گیرد. این مطلب را نمی توان ساده کرد. مبارزه در راه نجات جامعه از اسارت و ظلم و فقر و جهل کار خطرناکی است. پدر و مادر، بخاطر فرزندان خود که در این مبارزه خطرناک شرکت می کنند، بحق نگران میشوند. آنها بجای آنکه مطلب را خودشان بدرستی حل کنند، گاه نامههایی به ما می نویسند و گله می کنند که حزب باعث شده است، پسرشان یا دخترشان، در يك مبارزه دشوار و خطرناکی شرکت کند.

حزب باید با اعضا و هواداران خود نمی گوید که شما نسبت به نگرانیهایی که پدرها و مادرهای شما دارند، بی اعتنا بمانید. ابتدا! حزب بخوبی احساسات بحق و بیجا و طبیعی پدران و مادران (بویژه مادران) را در حق فرزندان نشان درک می کند. بهر جهت بخش بزرگی از اعضا و هواداران حزب، خود پدران و مادران هستند و در احساس و عاطفه همه مادران و پدران شریکند. لذا حزب باز همه فرزندان مبارز انتظار دارد که نسبت به عواطف مادران و پدران عزیز و محترم خود نهایت توجه را مبذول دارند و از حرکات غیر عاطفی، که شایسته يك مبارز توده ای نیست، به فرسنگ بگریزند. باید مادران و پدران را مورد ژرف ترین احترامات و محبتها قرار داد. باید به آنها و دیگر نزدیکان دلسوز و دلبنده، درباره وظایف اجتماعی و حزبی جداگانه سخن توضیح داد و آنها را روشن ساخت. باید به آنها فهماند که وطن، مردم و جنبش نیز در خانه و خانواده آنها حقی دارد. باید به آنها فهماند که نمی توان فقط در خود خزید و بنگر خود بود. باید نمونه ایثار و فداکاری دیگران را، از رهبران دینی و سیاسی گرفته، تا افراد

ساده در و همسایه، به آنها نشان داد. باید خود آنها را به تفکر اجتماعی و، اگر ممکن باشد، به فعالیت اجتماعی جلب کرد. در عین حال باید به آنها، با صمیمیت تمام، نشان داد که شما فرزندان دلسوز و مهربان هستید و آنها را از جان و دل دوست دارید و نسبت به آنها قدرشناسید.

در مواردی که تضاد پیدا میشود، گاه فرزندان مبارز مقصرتند: سرسری و بی ملاحظه رفتار می کنند، بی پوزده موجب دغدغه و نگرانی مادران و پدران میشوند. و گاه مادران و پدران مقصرتند: نمی خوانند به طرز اجتماعی بیاندیشند. فقط بدنبال عاطفه شخص خود میروند. نمی خواهند ضرورت وظایف وطنی و مردمی را درک کنند. زیاد در امور فرزندان خود مداخله می کنند. افق محدود دارند.

اگر فرزندان با ملاحظه، مؤدب، دلسوز، مهربان و مواظب باشند و اگر مادران و پدران به ناگزیری مبارزات و نبردها و ایثارهای اجتماعی پی ببرند و خود بیاری فرزندان خود بشتابند، تضادی نیست.

گاه شما به مادران و پدران کارگر و روستایی و روشنفکر سالخورده ای برخورد می کنید که با غرور از شهادت فرزندان عزیز خود سخن می گویند، و می گویند که خود نیز حاضرند در این عرصه گام گذارند. ولی ما در شهرها خانواده های بظاهر «متمدنی» هم داریم، که عجیب خودخواهانه می اندیشند و شمار آنها خودمهوری و نفی هرگونه فداکاری است. بقول معروف: «مرگ خوب است، ولی برای همسایه!» لذا این مطلب بفرنج رابطه بین خانواده و جامعه را تنها بشکل مشخص و باظرافت و با در نظر گرفتن شرایط میتوان حل کرد. نسخه کلی ویژه ای وجود ندارد. نسخه کلی ایست که: فرزندان هم نسبت به خانواده و هم نسبت به جامعه، وظایف معینی دارند و باید بتوانند آنها را با هم ترکیب کنند و از تضاد این دو میدا بهره یزنند. مادران و پدران هم دارای همین وظیفه اند. امید است سخن ما باین مسئله دشوار کمکی کند.

با حزب کمونیست فرانسه

سیاست، استراتژی، تاکتیک و افق مبارزه آن آشناتریم

چنان که چندی پیش خبر دادیم، "حزب کمونیست فرانسه" در تاریخ هشتم دی ماه ۱۳۵۹ شصتین سالگرد پایه گذاری خویش را بزرگداشت. تاسیس "حزب کمونیست فرانسه" در شش ده پیش، نتیجه منطقی تکامل جنبش کارگری فرانسه و تاثیر الهام بخش انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر بود. در هشت دی ماه ۱۲۹۹، اکثریت مطلق نمایندگان کنگره حزب سوسیالیست فرانسه که در شهر "تور" گرد آمده بودند تصمیم گرفتند به "انترناسیونال کمونیستی" به پیوندند. این تصمیم تاریخی "کنگره تور" هم چنین عزم کمونیستی های فرانسه را برای دفاع از انقلاب اکتبر و مقابله سرسختانه با خیانت رهبران "انترناسیونال دوم" به منافع صلح و انقلاب بیان می داشت.

جانیازی حزب کمونیست فرانسه در پیکار علیه فاشیسم

"حزب کمونیست فرانسه"، پس از "کنگره تور"، در ستیزه های حاد طبقاتی به تحکیم صفوف خود در پیکار با انحرافات اپورتونیستی و سکتاریستی مبادرت ورزید. کمونیست های فرانسه به رهبری مبارزان نامداری چون مارسل کاش، پیرسار و موریس تورز، همواره در صفوف مقدم مبارزه می زمیندند. در این گستره، کافی است، که از پیکار علیه اشغال "رود" در سال ۱۳۰۲، علیه جنگ های استعماری در مراکش و سوریه و خطر فزاینده فاشیسم در فرانسه یاد شود.

در این دوران "حزب کمونیست فرانسه" پیگیرانه در راه اتحاد عملی طبقه کارگر و علیه فاشیسم رزمید و کوشید تا همه نیروهای دمکراتیک و ضد فاشیست را در یک جبهه خلق و زیر شعار "نان، صلح و آزادی" متحد سازد. این ابتکار حزب کمونیست بعدها همزمانی بین - المللی پیدا کرد و در خود فرانسه نیز در جریان جنگ دوم جهانی در

"ریستانس" (جنبش مقاومت علیه اشغالگران فاشیست)، که کمونیست ها رهبری آن را در صحنه مستقیم نبرد به عهده داشتند، ادامه یافت. بیش از ۷۵ هزار کمونیست فرانسه در پیکار با فاشیسم و در راه استقلال فرانسه جان باختند. حتی در دوران جنگ سرد و در شرایط بس دشوار مبارزه طبقاتی، "حزب کمونیست فرانسه" به طور عمده توان و وجهه خود را حفظ و ثابت کرد که پیگیرانه در راه منافع ملی و بین المللی طبقه کارگری رزمند. در این زمینه، باید به ویژه مبارزه "حزب" را با جنگ های استعماری در شبه جزیره هندوچین و در الجزایر و همبستگی کمونیست های فرانسه را با نیروهای انقلابی - دمکراتیک این کشورها یاد آور شد.

تحکیم صفوف حزب، شرط اساسی پیشبرد تغییرات بنیادی است

امروزه "حزب کمونیست فرانسه" ۷۰۰ هزار عضو دارد، که در ۲۸ هزار حوزه متشکل هستند. تنها در کارخانه ها ۱۰ هزار حوزه حزبی وجود دارد. در فرانسه ۱۵۵۹ شهردار عضو "حزب کمونیست فرانسه" هستند. این حزب در پارلمان فرانسه ۸۶ نماینده دارد. بدینسان، "حزب کمونیست فرانسه" نیروی سیاسی است، که به هیچ روی نمی توان آن را نادیده گرفت. چنان که ژرژ مارش، دبیر کل "حزب کمونیست فرانسه"، در کتاب اخیر خود، امید دوران کنونی "یاد آور شد، "حزب" تحکیم صفوف خود را بمتابحه و وظیفه های کلیدی برای پیشبرد

دگرگونی های اجتماعی بنیادی به شمار می آورد. به عقیده "حزب کمونیست فرانسه" تنها با چنین دگرگونی هایی می توان بر نظام بحران زده سرمایه داری در فرانسه چیره شد. کمونیست های فرانسه همواره به بررسی دقیق تحولات نظام سرمایه داری انحصاری دولتی در فرانسه پرداخته اند. "حزب کمونیست فرانسه" بیش از ۱۲ سال پیش بحران کنونی جامعه فرانسه را پیش بینی کرد و استراتژی و تاکتیک خود را در این باره برگزید. این استراتژی و تاکتیک در اسناد حزبی مهمی، چون "مشور" شامپینی و "برنامه دولت مشترک" و اسناد کنگره های اخیر حزب انعکاس یافته است.

برنامه دمکراتیک حزب کمونیست فرانسه برای برون رفت از بحران

"حزب کمونیست فرانسه" در سال های گذشته برنامه دمکراتیکی برای برون رفت از بحرانی تدوین کرده، که رفته رفته همه گستره های جامعه فرانسه را در بر گرفته است. بر پایه ارزیابی کنگره بیست و سوم "حزب"، که سال پیش برگزار شد، سوسیالیسم "تنهارا برین زفت فرانسه از بحران کنونی جامعه است." این کنگره خاطر نشان ساخت که هر دستاورد امروز گامی است به پیش در راه رهایی کشور از بحران و تامین خواست های زحمتکشانی. ژرژ مارش، که به عنوان نامزد ریاست جمهوری حزب برای انتخابات بهار سال آینده تعیین شده است، در پایان

چپ "ائتلاف سیاسی بود، که، فزون بر "حزب کمونیست فرانسه"، "حزب سوسیالیست" و "جنبش رادیکال های چپ" را در برمی گرفت و در درجه نخست، بر اثر چرخش "حزب سوسیالیست" به راست و عقب نشینی از "برنامه دولت مشترک" از هم پاشید.

مبارزه در راه صلح

"حزب کمونیست فرانسه" از آغاز تاسیس خود پیکار در راه پیشرفت اجتماعی را با مبارزه برای خلع سلاح و صلح تلقی بخشیده است. از آن جا که محافل تجاوز کار کشورهای امپریالیستی اینک بیش از پیش به تشر فزاینده و تسریع مسابقه طبقاتی دست یازیده اند، کمونیست های فرانسه نیز "بیش از همه وقت پیکار در راه صلح و خلع سلاح را به عنوان محور همه فعالیت های خود" تلقی می کنند.

رهبری پیگیر مبارزات زحمتکشانی فرانسه

"حزب کمونیست فرانسه" تاکید کرده است، که زحمتکشانی تنها در جریان مبارزه آشتی ناپذیر طبقاتی می توانند وضع خویش را بهبود بخشند، در همین اواخر، هر جا که زحمتکشانی و دیگر قشرهای مردم فرانسه برای دفاع از خواست های حقه خود به پای می خیزند، چه در مبارزات ماهیگیران و معدنچیان چه در "مانو فرانس" و "ورنو" و چه در مدرسه و دانشگاه، کمونیست ها، با رهبری فداکارانه خود، رسالت خویش را در پاسداری از منافع محرومان جامعه به ثبوت می رسانند. از سوی دیگر، در این مبارزات است که شرایط پیدایش ائتلاف گسترده تری از نیروهای دمکراتیک، "اتحاد در پایه" پدید می آید و به قول "حزب کمونیست فرانسه" "اتحاد خلق فرانسه" بی ریزی می شود. این سمت گیری "حزب کمونیست فرانسه" در راستای همکاری طبقه کارگر و همه زحمتکشانی "در پایه" از تجربیاتی است - چشمه می گیرد، که این حزب در دوران "اتحاد چپ" فرا موخته است. "اتحاد

رای اصولی و عادلانه دادگاه انقلاب فیروز کوه مانعی در راه اهداف ضدانقلاب شد

عنوان "انجمن اسلامی" شده است. این مسئله باعث درگیری روستائیان با افراد مزبور شد و در نتیجه چند نفر زخمی شدند، که این موضوع به اطلاع سپاه پاسداران منطقه رسید. ولی ضدانقلابیون، با جوسازی و تحریف حقایق، زمینه را برای دستگیری و بازداشت ۲۴ ساعته چندتن از روستائیان مهیا کردند. پرونده این روستائیان بعد از بازداشت به دادگاه انقلاب فیروز کوه ارجاع شد، که خوشبختانه دادگاه انقلاب، با واقع بینی، مانع از تحقق یافتن اهداف ضدانقلاب شد.

دادگاه انقلاب یک نهاد بسیار حساس و مهم انقلابی است که در فیروز کوه به وظیفه خطیر خود بدرستی عمل کرد و با دفاع از اسلام راستین نگذاشت اسلام دروغین ضدانقلاب به حریم علیه دهقانان زحمتکش بدل شود.

عمل ضدانقلابیون در شرایط حساس کنونی هشداری است بمسئولین و نهادهای انقلابی و به ویژه سپاه پاسداران، که بخاطر انقلاب و وظیفه دارند بهتر و بیشتر از ماهیت این افراد با خبر باشند و با برخوردی منطقی با وقایع، جلو توطئه های ضد-انقلاب را در زیر پوشش اسلام بگیرند این توطئه ها در واقع حمله مستقیم به اسلام راستین و توصیه های امام خمینی در زمینه رسیدگی به امور دهقانان زحمتکش است.

عوامل ضد انقلاب در روستای طارس فیروز کوه زیر پوشش اسلام دست به تحریک و توطئه زدند. اما رای اصولی و درست دادگاه انقلاب فیروز کوه مانع از تحقق یافتن اهداف آنها شد.

طبق اطلاعات رسیده، چندی پیش مردم زحمتکش روستای طارس، برای ساختن آسیاب مورد نیاز روستای خود، قطعه زمینی را (که قبلاً گورستان روستا بود و از مدت ها قبل متروکه بود و از آن استفاده نمی شده) از شورای ده خریداری کردند. لیکن ضدانقلابیون با بهره گیری از این فرصت، برای تحریک و توطئه در زیر پوشش اسلام، تحت نام انجمن اسلامی و به بهانه اینکه در گورستان نمی شود آسیاب ساخت، مانع اینکار شدند. این افراد ضد انقلابی، که برخی از آنها با رژیم سابق همکاری های فراوان داشتند، اصلاً ساکن ده نیستند، بلکه در تهران و سایر شهرها زندگی می کنند و فقط برای گردش به طارس می آیند و پوشش کارشان هم

نقش انقلابی جهاد سازندگی شهرستان یزد

جهاد سازندگی یزد، در مدتی که تشکیل شده، در زمینه راهسازی اقدامات مهمی در این منطقه انجام داده است. این موفقیت ها در شرایط بدست آمده که این نهاد انقلابی از نظر امکانات، مانده ماشین آلات و وضع مالی و نداشتن سازماندهی و تجربه کافی، سخت درمی یافد. پیام روستا، ارگان جهاد سازندگی یزد، در آخرین شماره خود، در مورد اقدامات اخیر این جهاد اطلاع می دهد. در حالی که تا کنون از فعالیت های این نهاد انقلابی در یزد است، از جمله کارهای انجام شده، اسفالت جاده ها، بردن آب دبی طول ده کیلومتر و دهها کیلومتر جاده دیگر، زیرسازی ۲۴ کیلومتر راه درجه یک، دههیر، ساختن ۱۰۰۰ متر مربع جاده و کوجهای حسن آب دمیروسیاری اقدامات دیگر در زمینه راهسازی در نقاط مختلف این استان است. لازم به توضیح است که به علت بدی شرایط اقلیمی، هیچ پیما نگاری حاضر به انجام این کارها نبوده است. امیدواریم که اقدامات مفید و سازنده جهاد سازندگی یزد روز بروز وسعت بیشتری پیدا کند و سر مشقی برای نهاد های مسئول باشد. همچنین ما از مقامات دولتی و مسئول خواریم که به این نهاد انقلابی از نظر کمی و نیروی متخصص و متعهد و مومن به انقلاب یاری کنند.

داد مظلومان

اخبار کوتاهی که در زیر میخوانید، مربوط به استان مازندران است، گوشه هایی از وضع روستائیان و مسئله اصلی آنان در این اخبار است:

● با محاکمه فتوادلهای بزرگ، داد مظلومان را بگیرید. در راه بیماری روزی ۲۸ صفر مردم ساری، قطعنامه ای به تصویب رسید. ماده ۷ قطعنامه چنین اعلام می داشت: "ما مردم ساری از دادگاه محترم انقلاب اسلامی شهرستان ساری میخوانیم، ضمن رسیدگی به کلیه پرونده های موجود و با محاکمه و مجازات ثروتمندان و فتوادلهای معروف در منطقه، که سالها خون این ملت را میکشد. اند، داد مظلومان را از ظالمان بگیرند."

● اعمال نفوذ مالکان بزرگ. یک هفته نامه منتشره در مازندران، در باره دادگاه سلسله فتوادلهای لیس و بساط خان خانی و لیدری آنها در روستای "ملک - آباد"، می نویسد: "حدود ۱۵۰ هکتار زمینهای "ملک آباد"، که بیش از ۵۰٪ از زمینهای این روستا است، در اختیار ۳ نفر از فتوادلهای است، که تاکنون با اعمال نفوذ توانستند

گذری به روستای «منصور بیگی»

زمین هایشان در مضیقه هستند. به علت مشرف بودن زمین به نهر، آب کافی به زمین هائیشان نمیرسد. آب آشامیدنی بشکلی ۲ تا ۵ تومان از شهر به وسیله وانت بار به روستا آورده می شود.

در روستای منصور بیگی، از ۱۴ حاکم، هست خانواران کم زمین هستند و بقیه دهقانان بی زمینی هستند که به سفل کارگری روی آورده اند. آب این روستا به علت تلخ بودن قابل استفاده نیست و اهالی این روستا آب آشامیدنی خود را از شهر بهیمیان تأمین می کنند. بهیاد است این روستا به علت کمبود آب وضع نامساعدی دارد. اهالی از داشتن شرکت تعاونی بی بهره اند.

دهقانان می گویند: "جهت تأمین آب به یکی از روحانیون ده مراجعه کردیم، ولی او در جواب گفت که برای زدن چاه به ۱۰۰ هزار تومان پول احتیاج است." یکی دیگر از دهقانان می گویند: "الان که زمستان است و باران می آید، با جمع کردن آب باران در سطل برای چند روزمان می توانیم آب داشته باشیم. ما امیدواریم که این مسئله به وسیله جهاد سازندگی برطرف شود، چون در سال گذشته جهاد سازندگی برق این روستا را تأمین کرد و اهالی از این اقدام خیلی راضی هستند."

در این روستا بزک و بهداری وجود ندارد. در شمال این روستا یک کوره گچ وجود دارد که ۵ دهقان در آن کارگری می کنند. یکی از این کارگرها، که ۵ سال سابقه دارد، در مورد نحوه کار و دستمزدشان می گویند:

"ما همگی اهل روستای قنبریه هستیم و کارمان این است که سنگ گچ را در کوره بگذاریم، تا بپزد و بعد آنها را به انبار حمل کنیم. دستمزد ما نه مطابق ساعت کار است نه مطابق میزان تولید. اگر در روز ۱۰۰ گاری گچ هم درست کنیم، هیچگونه حقوقی دریافت نمی کنیم، بلکه به نسبت تعداد گاری - هایی که در روز به فروش می رسد، مزد دریافت می کنیم. گاهی اوقات به علت این که در روز فروشی نداشته ایم، هیچگونه مزی دریافت نمی کنیم، ولو اینکه در آن روز زحمت و کار زیاد هم انجام داده باشیم."

ان وضع مالکیت زمین، که ۳/۵ خیش (هر خیش تقریباً ۵۰۴ کیلوگرم می دهد) در مالکیت یک سرمایه دار شهری باشد، و این وضع رفتار با کارگران نمی تواند قابل دوام باشد. میهن انقلابی ما متعلق به زحمتکش است و متکی به آنهاست. در منطقه حساس بهیمیان، در مجاورت میدان های نبرد سهمگین علیه توطئه های آمریکا، باید نیروهای مدافع انقلاب را مستحکم نمود و به خواست های حق دهقانان رسیدگی کرد. توجه مقامات مسئول دولتی و نهادهای انقلابی را برای حل مسائل این روستا جلب می کنیم.

روستای منصور بیگی در ۱۵ کیلومتری شمال بهیمیان واقع شده است. اهالی این روستا از عسایر طبیعی و بهیمنی هستند، که حدود بیست سال قبل به این مکان کوچ کردند. در آن زمان مالک روستا شخصی به نام "موسی" (ساناتور معدوم و برادرش بوده است) ولی یکی از بازاریان بهیمیان زمین ها را از موسی اجاره می کند، که بعدها اختلافاتی بین خود غارتگران بر سر مالکیت زمین بوجود می آید. در نتیجه اکنون از ۷/۵ خیش زمین در این روستا، ۳/۵ خیش آن متعلق به بازاری سرمایه دار و ۴ خیش بقیه متعلق به ۸ خانوار اهالی ده است. بدین ترتیب از ۱۴ خانوار در این روستا، ۸ خانوار آن کم زمین و بقیه فاقد زمین هستند.

یکی از دهقانان در این مورد می گویند: "ما از شخصی مالک به هیئت هفت نفره شکایت کرده ایم، ولی تاکنون به نتیجه ای نرسیده ایم."

یکی از دهقانان در مورد نحوه کار شرکت سابق تعاونی می گویند: "این شرکت تعاونی در موقع کشت هر گاو ۱۰۰ کیلوگرم گندم الوندی (خارجی) می داد که برایش کشت بکنیم و خودش شرکت هم برایمان شخم می زد و کود می داد و در همان موقع قیمت کل شخم زدن و کود و بذردادن را با ما حساب می کرد و اگر آخر سال انتقافی از قبیل سیل و یخزدگی و غیره برای محصول به بار می آمد، شرکت تمام پول معین شده را از ما مطالبه می کرد. در واقع شرکت هیچوقت ضرر نمی دید. اگر محصول می داد، که متعلق به خودش بود، و اگر ضرر می دید، که خود ما باید متحمل می شدیم." اهالی این روستا از نظر آب برای

روستائیان روستای

«شریعتی» و مشکل

زمین و وسایل

تولید کشاورزی

روستای شریعتی در ۴۵ کیلومتری باغملک و در ۳۰ کیلومتری هفتگل قرار دارد. در این روستا حدود ۶۵ خانوار زندگی می کردند، که ۳۰ خانوار آن به شهر رفته اند و در حال حاضر فقط ۳۵ خانوار در آن بسر می برند. جمعیت روستا به ۳۰۰ نفر می رسد. طبق قانون اراضی «شریعتی» هنوز واگذار نشده اند و مطابق گذشته کشت می شوند.

در این روستا زمین ها را طبق سنت کربوه (پسر پدر) یعنی بر اساس فامیل تقسیم می کنند، بدین شکل که، ابتدا از هر فامیل یک نماینده انتخاب می شود و بعد قرعه "تیر" می اندازند. قرعه بنام هر کس افتاد، او زمین را بین فامیل خود قسمت می کند (تعداد فامیل ها در این روستا چهار تا است).

در این روستا از بز بزرگ مالکی خبری نیست. لیکن اراضی وسیع و مرغوب و مستعد کشاورزی وجود دارد. در روستای شریعتی همچنین تعدادی بی زمین زندگی می کنند. روستا دارای قناتی است که آب باغ ها را تأمین می کند. طبق گفته سالمندان روستا، در قدیم پدران شان اراضی پایین روستا را میوه می کاشتند. اگر دولت وسایل و امکانات کار را در اختیار کشاورزان قرار دهد، آنان می توانند صیفی جات و میوه فراوان تولید کنند.

برای آب آشامیدنی روستائیان، جهاد سازندگی با تانکر آب شیرین از رود زرد می آورد. جاده ارتباطی روستا خراب است و نیاز به مرمت دارد، زیرا در زمستان با اولین باران رفت و آمد در آن مشکل می گردد.

به دلیل فقدان وسایل مدرن کشاورزی، افزایش تولید میسر نیست. بدستان روستا ویران است و نوسازان در زیر چادر درس می خوانند و برای ادامه تحصیل به مسجد سلیمان یا هفتگل می روند. دختران روستا تنها می توانند دوره پنج ساله ابتدایی را تمام کنند. اولیاء آنها می گویند: "چون در شهر جایی نداریم، نمی توانیم دخترانمان را به شهر بفرستیم."

روستائیان زحمتکش روستای شریعتی انتظار دارند که هیئت واگذاری زمین کار اجرایی قانون اصلاحات ارضی را بسود آنها انجام دهد و دولت نیز وسایل و امکانات کار از قبیل تراکتور، کود، بذر را در اختیارشان قرار دهد. روستائیان مطمئن هستند که با انجام اقدامات فوق می توانند زمین های گسترده روستا را، که دارای خاک مناسب کشاورزی هستند، به زیر کشت ببرند و از این طریق تولید محصولات را در جهت خدمت به تعمیق و تحکیم انقلاب افزایش دهند. لذا ضروری است که به این انتظار بحق روستائیان هر چه سریع تر پاسخ داده شود، و احتمالاً نحوه تشکیل تعاونی های تولید، که از سنت های قدیمی همکاری و همیاری دهقانان بهره گیری کند، منتهی نه در چارچوب یک خانواده، بلکه در مقیاس تمامی اهالی ده مورد بررسی قرار گیرد.



سرمایه دار وابسته: همون نمی کنم این توطئه آخری آمریکا هم بتونه موفق بشه! بزرگ مالک: باید کمکش کنیم. جبهه داخلی مربوط به ماست! یه من و تو... سرمایه دار وابسته: آره، تا تجارت خارجی ملی نشده و بازار دست ماست، میتونیم بزرگ مالک: تا قانون اصلاحات ارضی اجرا نشده زمین ها دست ماست، میتونیم

دولت باید هر چه زودتر برای حل مشکلات درمانی اقدام کند

زحمتکشان که آماده هر گونه فداکاری هستند میگویند:



بیماران منتظر فرارسیدن نوبتشان هستند (درمانگاه بیمارستان امام خمینی) بخاطر استفاده از سرویس پزشکی مجهز و رایگان، بیماران از چهارگوشه کشور به چند بیمارستان مجهز و دولتی تهران هجوم می آورند.

امروزه مشکلات درمانی و بهداشتی مستقیماً و قبلاً از همه، گریبانگیر توده های زحمتکش است. زحمتکشان، به علت کارهای مشقت بار و سطح زندگی نازل، بیش از همه در معرض انواع بیماری ها قرار دارند. تسهیلات و امکانات پزشکی نیز در آن حدی نیست که بتواند جوابگوی همه زحمتکشان باشد.

گزارشگر نامه "مردم" از بعضی مراکز درمانی دولتی، که اکثریت زحمتکشان برای درمان به آنها مراجعه می کنند، دیدن کرده است. وی در گزارش خود می نویسد:

"مقابل درمانگاه گوش و حلق و بینی بیمارستان رازی، از میان آنبوده بیماران، که به انتظار نوبت نشسته اند، با خانم گلی مصطفی زاده، که کودک یک ساله ای، با گلوئی ورم کرده، در بغلش بخواب رفته بود، به گفتگو نشستم. در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود، گفت: "همه مریض هستیم. خودم، این بچه، بچه بزرگم، دیگر چه بگویم".

وی ادامه داد: "خانه ما در خزانه است. شوهرم راننده است. بیمه هم نیستیم. دیشب این بچه را بردم دکتر خصوصی در نازی آباد، ۱۵۰ تومان پول ویزیت و دارو شد. ما این پول را از کجا بیاوریم؟ حمام نداریم. خانه ام دیوارش ترک برداشته. چه خوب بود اگر بیمه بودیم، دکترها از دولت حقوق می گرفتند و ما هم به همان دکترهای نزدیک خانه هایمان مراجعه می کردیم".

سپس وارد بخش پوست این بیمارستان شدم و با چند تن از بیماران، که در یکی از اتاق های این بخش بسر می برند، به گفتگو نشستم. یکی از بیماران بنام مرتضی ترکمانی، کارگر نواز نشسته راه آهن، می گوید:

"تمام بیماران این اتاق از نقاط مختلف کشور به این جا آمده اند." وی سپس می گوید: "دولت با بدلاقل در هر شهر بزرگ یک بیمارستان مجهز با بخش های مختلف دایر کند، تا مردم مجبور نشوند خانه و کاشانه خود را ترک کنند و برای درمان به تهران بیایند." یکی دیگر از بیماران می گوید:

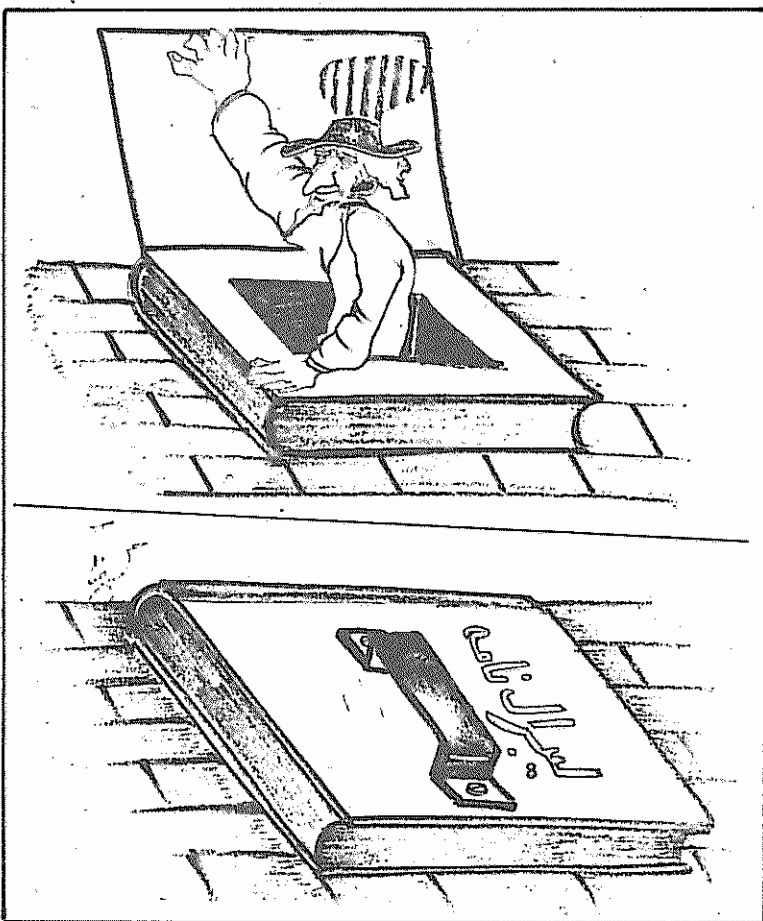
"من از زنجان آمده ام." دیگری می گوید: "من از دهات بروجرود می آیم آنجا اصلاً دکتر پوست ندارد." یکی دیگر از بیماران می گوید:

"محل زندگی من صدوسی فرسخ از مشهد فاصله دارد." مرتضی سپس، در ادامه سخنان خود، ضرورت طب و بیمه دولتی را متذکر می شود و می افزاید:

"با وجود تمام این مشکلات، ما تا آنجا که در قدرت داریم، با دشمن می جنگیم و تسلیم آمریکا نمی شویم."

وارداتاق بعدی شدم. با خانم میانسالی، که به نظر روستائی می رسید و بالای تخت دخترش ایستاده بود، صحبت می کنیم:

"دخترم خدیجه کیانی نام دارد. آپا ندیش را عمل کرده اند.



نمایشگاه عکس و پوستر در قوچان



توسط اعضاء و هواداران حزب توده ایران در شهرستان قوچان، نمایشگاه عکس و پوستر به مناسبت دومین سالگرد پیروزی انقلاب مردم ایران، در میدان مرکزی این شهر، از ۱۹ بهمن برپا شد که مورد استقبال مردم قرار گرفت. همزمان با برپایی این نمایشگاه، نمایشگاه های دیگری نیز در چند مدرسه شهر قوچان توسط دانش آموزان هوادار حزب توده ایران برپا شد، که مورد توجه خاص دانش آموزان قرار گرفت.

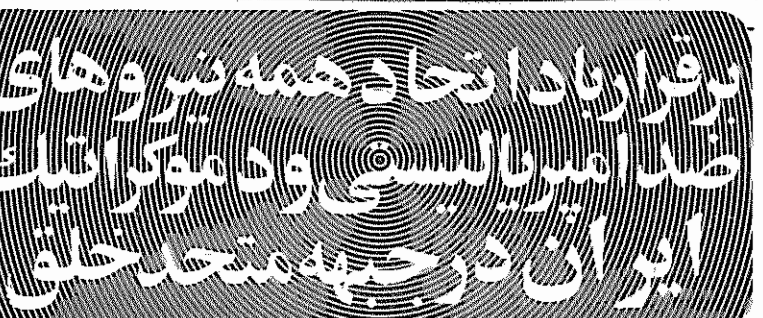
با حزب کمونیست

بقیه از صفحه ۳

کمونیست فرانسه "تبدیل شده است. کمونیست های فرانسه این تصمیم را خطری برای صلح اروپا و جهان و امنیت فرانسه ارزیابی کرده اند. در این گستره می توان از تظاهرات عظیمی که در زمستان ۱۳۵۸ و تابستان امسال با همکاری چهارده سازمان دیگر، زیر عنوان "دو روز برای صلح سلاح" برگزار شد، نام برد.

ابتکار "حزب کمونیست فرانسه" و "حزب متحد کارگر لهستان"، در فراخوانی "دیدار احزاب کمونیستی و کارگری اروپا برای صلح و خلع سلاح" در پاریس در بهار امسال دارای اهمیت ویژه بود. این دیدار نه تنها به تحکیم اتحاد عمل احزاب کمونیست اروپا در مبارزه در راه صلح کمک کرد، بلکه هم چنین گام بزرگی در راه بسیج همه نیروهای صلح دوست این قاره به شمار می رود.

فرانسه همواره با این دروغ امپریالیستی به نبرد برخاسته است، که گویا خطر اتحاد شوروی جهان غرب را تهدید می کند. این حزب خاطرنشان ساخته است که اگر درسی و پنج سال اخیر صلح جهانی توانسته است حفظ شود، "علت عمده" آن را باید در نقش کشورهای سوسیالیستی، به ویژه "اتحاد شوروی" جستجو کرد. به گفته "حزب کمونیست فرانسه"، "سراسر تاریخ اتحاد شوروی نشان می دهد که اتحاد شوروی جویای صلح و صلح از سوسیالیسم گسستناپذیر است." چندی است که پیکار علیه تصمیم "ناتو" پیرامون استقرار موشک های میان برد جدید در اروپا به یکی از مهم ترین مسائل مبارزاتی "حزب



اهل هشنگرد هستیم. شوهرش کارگر است و شغل دولتی ندارد. بیمه نیست. از دولت می خواهد در محل ما درمانگاه و بیمارستان بسازد و همه کارها را بیمه کند.

هنگام ناهار است که به بیمارستان روزه، که مخصوص بیماری های اعصاب است، می رسد. اتاق های این بخش بین ۳ تا ۱۵ تخت دارد. وارد یک اتاق بزرگ و آفتابگیر با ۱۵ تخت شدم و با نرس صوفی، که ۳۳ سال دارد، به صحبت نشستم. گفت:

"ما اهل ملایر هستیم. در آن شهر متخصص اعصاب وجود دارد، ولی بیمارستان برای بستری کردن بیماران روانی وجود ندارد. دو پسر دهویا زده ساله دارم، که در شهر خودمان پیش شوهرم هستند. دلم برای دیدنشان یک ذره شده. می خواهم پسران خانواده خود برگردم." و این مشت نمونه خسروار بیمارستان های دولتی است. هنوز بعد از دو سال که از پیروزی انقلاب می گذرد، زحمتکشانی که از سراسر کشور برای درمان به تهران می آیند، پشت در بیمارستان ها می مانند. وقتی هم که به بیمارستان راه پیدا می کنند، با کمبود چشمگیر پزشک، تخت و دارو روبرو هستند. دولت باید هر چه زودتر به این مشکل بزرگ توجه کند و در راه حل آن بکوشد.

دولت انقلاب باید در جهت عملی ساختن اصل بهداشت رایگان و طب دولتی بکوشد و با احداث درمانگاه ها و بیمارستانها در نقاط مختلف کشور، اجرای بیمه درمانی در مورد همه کارگران، رفع کمبود امکانات فنی و پرسنل بیمارستان های دولتی، به خواست توده های زحمتکش و پشتیبان انقلاب - که آماده هرگونه فداکاری هستند - جواب مساعد دهد.

۱۰۰ درصد = « ۸ + ۲۰۰۰ »

۱۳ سال پیش، تنها ۳۰۰ مدرسه حداکثر شش ساله در این کشور وجود داشت، اینک ۱۲۰۰ دبستان ۸ ساله و ۴۰ دبیرستان در ین دیمکراتیک مشغول بکار است. در سال ۱۳۴۶، تنها یک دهم اهالی ین جنوبی سواد نوشتن و خواندن داشتند؛ اکنون از ۱۸ میلیون نفر جمعیت جمهوری دیمکراتیک خلق ین ۳۵۰ هزار دختر و پسر به مدرسه میروند.

علاوه بر آموزش همگانی، دولت جمهوری دیمکراتیک خلق ین اینک هر چه بیشتر در راه گسترش آموزش حرفه ای و تخصصی گام بر میدارد.

«معادله» بالا اینروزها بر سر در وزارت آموزش و پرورش جمهوری دیمکراتیک خلق ین جلب نظر میکند. در این «رابطه ریاضی»، یکی از هدفهای بنیادی ین دیمکراتیک در گسترش آموزش و پرورش نمایان میشود. بدین معنی که، قرار است تا سال ۲۰۰۰ شرایط آموزش همگانی و رایگان هشت ساله برای ۱۰۰ درصد کودکان ینی تأمین گردد.

در ۱۳ سال اخیر، یعنی از هنگام اعلام استقلال سیاسی ین از استعمار بریتانیا، بسیاری از شرایط ضروری و مهم برای پیشبرد این هدف بنیادی پی ریزی شده است. در حالیکه

